خبرخوان

ششمین سال پیاپی کمبود بارش در تهران

ایلنا: رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشک‌سالی سازمان هواشناسی گفت: «کمبود بارش سال گذشته با بارش نرمال امسال جبران نمی‌شود، زیرا کمبود آن سال همچنان بر وضعیت کنونی تاثیرگذار است. علاوه بر این تهران در حال تجربه ششمین سال پیاپی کمبود بارش نسبت به نرمال است». احد وظیفه، درباره میزان بارش‌ها و وضعیت خشک‌سالی در استان تهران توضیح داد: «در حوضه آبریز شهر تهران (که فراتر از محدوده شهری است و شامل حوزه‌های بالادست می‌شود) تاکنون میانگین بارندگی حدود ۱۲۸ میلی‌متر ثبت شده است. در مقایسه با همین بازه زمانی در سال گذشته (حدود ۱۱۰ میلی‌متر)، افزایشی معادل ۱۸ میلی‌متر مشاهده می‌شود. با این حال، میانگین بلندمدت بارش (بر اساس ۳۰ سال گذشته) در حوزه استان تهران تا این موقع از سال حدود ۱۹۵ میلی‌متر است. بنابراین، کسری حدود ۶۵ میلی‌متر نسبت به میانگین بلندمدت وجود دارد». او افزود: «بنابراین شرایط تهران از نظر بارندگی نسبت به سال گذشته کمی بهتر است، اما همچنان با خشک‌سالی و کسری بارش قابل توجه و شدیدی روبه‌رو است. سال گذشته، میانگین بارش استان تهران نصف متوسط بلندمدت بود و حدود ۵۰ درصد کمبود بارش داشت. در نتیجه، کمبود شدید سال گذشته به همراه کسری بارش نسبتا قابل توجه امسال، بر یکدیگر انباشته شده و تاثیرگذار است». رئیس مرکز ملی اقلیم هواشناسی ادامه داد: «این‌گونه نیست که کمبود بارش سال گذشته با بارش نرمال امسال جبران شود، زیرا کمبود آن سال همچنان بر وضعیت کنونی تاثیرگذار است. علاوه بر این، تهران در حال تجربه ششمین سال پیاپی کمبود بارش نسبت به نرمال است و سال گذشته بدترین وضعیت را در این دوره داشت. بنابراین، وضعیت منابع آبی نامناسب است. به گفته او، در ماه‌های پیش‌رو (اردیبهشت و خرداد) بارندگی قابل توجهی نخواهیم داشت. تا نیمه هفته جاری، وضعیت بارش تهران همچنان کمتر از معمول است، هرچند یکشنبه موج بارشی عبور می‌کند و هفته بعد نیز موج دوم وارد خواهد شد». وظیفه توضیح داد: «در مجموع، بارندگی‌های دو هفته آینده کمتر از معمول خواهد بود، اما انتظار می‌رود اردیبهشت شرایط بهتری داشته باشد، هرچند بارش اردیبهشت به‌طور طبیعی نسبت به فروردین کمتر است و به‌تدریج به سمت پایان بهار کاهش می‌یابد. خرداد نیز قطعیتی ندارد. با این حال، حداقل دو هفته اول اردیبهشت، پهنه غربی کشور و فلات مرکزی (ازجمله تهران) بارش در حد نرمال یا بالاتر از معمول خواهند داشت و کمبود دو هفته اخیر تا حدی جبران می‌شود». او افزود: «در حال حاضر کسری بارش حدود ۳۵ درصد است. در سناریوی خوشبینانه (با جبران بارش اردیبهشت)، سال آبی با ۲۰ تا ۲۵ درصد کمبود نسبت به میانگین بلندمدت به پایان می‌رسد. اما در سناریوی بدبینانه (اگر تا پایان فروردین و اردیبهشت در حد معمول باشد) کمبود فعلی ادامه یافته و به حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد می‌رسد که این امر یکی از کم‌بارش‌ترین سال‌های تهران را رقم خواهد زد». این مسئول سازمان هواشناسی ادامه داد: «به هر حال، جمعیت تهران بسیار متراکم و فراتر از ظرفیت پشتیبانی منابع آبی معمول آن است. از نظر اقلیمی و وضعیت آبی، این حوزه برای اسکان چنین جمعیتی مهیا نبوده، اما اکنون که این وضعیت برقرار است، هم‌وطنان ساکن استان‌های تهران و البرز باید بدانند که منابع آبی محدود است و در سال‌های کم‌بارش، این محدودیت تشدید می‌شود. بنابراین، قدر آب را بدانیم و از مصرف بیش از حد یا سوءاستفاده از آن پرهیز کنیم؛ زیرا شرایط تأمین آب استان تهران اصلا مناسب و عادی نیست». او تأکید کرد: «حتی اگر بارش استان تهران به میانگین سالانه ۲۸۰ میلی‌متر برسد، با توجه به جمعیت، کمبودهایی وجود خواهد داشت. اما سال گذشته میانگین ۱۴۰ میلی‌متر بود (۵۰ درصد کمبود). از ابتدای سال آبی (اول مهر ۱۴۰۴ تا ۲۱ فروردین ۱۴۰۵)، فقط ۱۳۰ میلی‌متر بارش دریافت شده و کسری حدود ۱۵۰ میلی‌متر است. حتی در سناریوی خوشبینانه (با۳۰-۴۰ میلی‌متر بارش باقی‌مانده فروردین و اردیبهشت)، حداقل صد میلی‌متر کسری باقی می‌ماند؛ عددی قابل توجه که وضعیت منابع آبی استان تهران را نامناسب می‌کند».

۳۴ شهید و مجروح بهزیستی در جنگ

مهر: در جریان جنگ، ۱۷ شهید و ۱۷ مجروح از خانواده بهزیستی داشتیم. همچنین ۱۶۸۲ واحد مسکونی آسیب دیده که ۸۲ واحد به‌طور کامل تخریب و سایر واحدها بین ۲۰ تا ۸۰ درصد خسارت دیده‌اند. فاطمه عباسی، معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور، در جلسه شورای تحول اداری سازمان بهزیستی کشور گفت: «در این مدت ۳۹ مرکز توانبخشی دچار آسیب شدند که برآورد اولیه خسارات آنها حدود ۱۲ میلیارد تومان است. یک مرکز نگهداری معلولان ذهنی در استان اصفهان به‌تنهایی شش میلیارد تومان خسارت دیده و همچنین مراکز شبانه‌روزی غیردولتی نیز حدود ۱۱ میلیارد تومان آسیب دیده‌اند». در ادامه سیدمحمدجواد حسینی از پیگیری حمایت ویژه از خانواده شهدای بهزیستی خبر داد و گفت: «در این زمینه با سازمان اموال تملیکی نیز رایزنی‌هایی انجام شده و این موضوع مورد پذیرش قرار گرفته است». همچنین حسن چلک، معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی نیز با اشاره به ابعاد اجتماعی خسارات جنگ تأکید کرد: «در این مدت به مراکز، مشاغل خانوادگی و مسکن مددجویان آسیب وارد شده و لازم است شناسنامه دقیقی از این خسارات تهیه شود تا برنامه‌ریزی برای جبران و بازسازی آنها انجام گیرد». او با بیان اینکه ۱۷ نفر از جامعه هدف بهزیستی در این جنگ به شهادت رسیده و ۱۷ نفر نیز مجروح شده‌اند، افزود: «باید سازوکاری مشخص برای استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی در شرایط بحران طراحی شود». در ادامه، آرزو ذکایی‌فر، رئیس مرکز توسعه کارآفرینی، اشتغال و توانمندسازی سازمان بهزیستی از خسارات گسترده در حوزه مسکن و اشتغال خبر داد و گفت: «در این جنگ، هزارو ۶۸۲ واحد مسکونی آسیب دیده که ۸۲ واحد به‌طور کامل تخریب و سایر واحدها بین ۲۰ تا ۸۰ درصد خسارت دیده‌اند». او افزود: «همچنین ۲۹۷۵ طرح اشتغال دچار آسیب شده که از این تعداد، ۶۳۵ واحد بیش از ۵۰ درصد تخریب شده‌اند». ذکایی‌فر با اشاره به اقدامات حمایتی ادامه داد: «تسهیلات اشتغال سال ۱۴۰۴ تا پایان اردیبهشت تمدید شده و در حوزه مسکن نیز این تسهیلات ادامه دارد تا پرونده‌های ارسالی استان‌ها بتوانند از این ظرفیت استفاده کنند». او از تدوین طرح استفاده از پنل‌های خورشیدی در مراکز بهزیستی خبر داد و گفت: «این طرح در حال نهایی‌شدن است». همچنین سلمان حسینی، رئیس مرکز اورژانس اجتماعی کشور با اشاره به خدمات روانی و اجتماعی ارائه‌شده در این مدت گفت: «در جریان جنگ، ۶۸ هزار تماس با اورژانس اجتماعی برقرار شده و ۱۴هزارو ۸۰۰ مداخله توسط تیم‌های سیار انجام شده که از این تعداد، چهارهزارو ۶۰۰ مورد مرتبط با شرایط جنگ بوده است».

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

گزارش میدانی «شرق» از تردد دوباره شهروندان در شهر، خرید، تفریح و کافه‌گردی چند روز پس از پایان موقت جنگ

شهر پس از آتش‌بس؛ نفس‌های تازه، زخم‌های کهنه

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران می‌گوید یکی از پیامدهای جنگ تمایل به کسب لذت آنی و بی‌خیالی است، اینکه زندگی به الان و همین‌جا محدود می‌شود

عکس: مرتضی بنکوبلی، Nurphoto

محمدحسین موسوی: کافه طراحی کلاسیکی دارد؛ دیواره‌های چوبی و سردری که انگار از دهه ۴۰ آمده و پنجره و میزهایی که تداعی‌کننده گذشته است. روبه‌روی کافه پر است از آدم‌هایی که دور هم جمع شده‌اند و حرف می‌زنند، قهوه‌ای می‌نوشند و می‌خندند. شلوغی کافه، پیاده‌راه را بسته. درون کافه هم به اندازه بیرون، شلوغ است، میزها پر از مشتری است و صفی طولانی اطراف صندوق ایجاد شده. در بعضی میزها، بیش از ظرفیت آدم نشسته. صدای همهمه و موسیقی بلند کافه در هم تنیده و به‌سختی صدا به صدا می‌رسد. اینجا یکی از کافه‌های معروف «خیابان ایرانشهر» در روز چهارشنبه فردای آتش‌بس دوهفته‌ای است. تصویر «بازگشت به زندگی» در خیابان ایرانشهر بیش از مکان‌های دیگر دیده می‌شود؛ بازگشتی که بمباران و اضطراب کشنده جنگ آن را تبدیل به خیالی ناممکن کرده بود.

دوباره می‌توانیم نفس بکشیم

«باورم نمی‌شود صدای بمباران حتی موقت، خاموش شد»؛ این را «پرنیا» می‌گوید. دوست او البته تأیید می‌کند که هنوز معلوم نیست جنگ تمام شده باشد، اما برای «پرنیا» این موضوع اهمیتی ندارد: «مهم این است که الان ما اینجاییم و قرار نیست صدای انفجار بشنویم. من که برای همین اینجا بودن دلم تنگ شده بود». او دختری جوان با موهایی صورتی است. آنها سه نفرند، یک دختر و دو پسر که در پیاده‌راه کنار آن کافه با دکوراسیون کلاسیک در خیابان ایرانشهر، نزدیک به باغچه‌ای کوچک ایستاده‌اند، دست هرکدام لیوان قهوه‌ای است؛ یکی از پسرها که «آرش» نام دارد، می‌گوید: «بچه‌ها هیچ‌کدام تهران نبودند اما من بودم. خانه‌مان نیز نزدیک است، هر بار که از اینجا رد می‌شدم، در دلم می‌گفتم کاش بشود زودتر دوباره با بچه‌ها به اینجا بیاییم و قهوه‌ای بخوریم». او می‌گوید البته شلوغی ایرانشهر از ابتدای هفته شروع شده بود، ولی امروز فرق دارد: «امروز همه کمی خوشحال‌ترند. در کافه نیز بیشتر باریستاها و کارکنان که با هم دوست هم هستیم، به سر کار آمده‌اند. انگار روی آب آمده‌ایم و دوباره می‌توانیم نفس بکشیم». نقاط دیگر خیابان هم شلوغ است، با فاصله کمی از این کافه، کافه کوچک دیگری با دیوارهای سرامیکی سفید، آبی و نارنجی روشن، خودنمایی می‌کند. کافه در دو سو پنجره‌های کشویی دارد و همه پنجره‌ها باز بود تا هوای بهاری به درون کافه بیاید. روبه‌روی کافه، برگ درختان قدیمی خیابان ایرانشهر با باد به زمین می‌افتد و یکی از این برگ‌ها در لیوان «یوسف» می‌نشیند که در فضای بیرونی کافه نشسته است و با لپ‌تاپ کار می‌کند: «شغل من مرتبط با طراحی و نقشه است و معمولا دورکارم. این مدت نیز اینترنت قطع بود، اما من چون با یکی از پژوهشگاه‌های دانشگاهم کار می‌کنم، در شغلم به‌جز دو هفته اول جنگ خللی وارد نشد». اما او از خانه کارکردن بیزار است، با این حال ترس او و خانواده‌اش از جنگ باعث شده بود تمام این ۴۰ روز را در خانه کار کند: «آدم هرچه نمی‌خواهد به سرش می‌آید، من هم هیچ‌وقت در خانه کار نمی‌کنم، یا به کافه می‌آیم یا به فضاهای کار جمعی می‌روم. دیگر جنگ و خانه‌نشینی داشت کارم را عقب می‌انداخت چون دائما در خانه حواسم پرت می‌شد و نمی‌توانستم کارها را پیش ببرم. وقتی خبر آتش‌بس آمد همان لحظه برنامه‌ریزی کردم تا به کافه بیایم». او انتظار نداشت با چنین شلوغی‌ای مواجه شود، اما با وجود آنکه ترجیح می‌داد کافه خلوت باشد، از شلوغی فعلی ناراحت نیست: «امروز از وقتی به کافه آمدم شلوغ بود، اما برخلاف همیشه این بار شلوغی به تمرکزم کمک کرد و دلگرم شدم. خوشحالم که شهر کمی جان گرفته است». در خیابان «ایرانشهر» فقط کافه وجود ندارد، بخش زیادی از مغازه‌های این خیابان، مغازه‌های مربوط به تعمیر، فروش و نگهداری پرینتر و لوازم چاپ است. روی شیشه یکی از مغازه‌ها با نئونی قرمز نوشته شده است: «شارژ کارتریج». و روی پنجره چند لایه چسب زده شده؛ نشانه‌هایی از سایه جنگ که در همه تهران قابل دیدن است. صاحب مغازه مردی فربه با موهای جوگندمی است، سال‌های زیادی است اینجا کار می‌کند: «از هفته دوم فروردین که مغازه را باز کردم، با دیدن خلوتی خیابان و کافه‌ها خیلی ناراحت شدم. دلم می‌گرفت، به هر حال حضور این جوان‌ها عادت‌مان شده بود». او می‌گوید اوضاع کاسبی خراب است، اما همین که جنگ حتی به شکل موقت تمام شده، به او امید داده است: «امیدوارم جنگ به شکل دائمی تمام شود و دیگر تکرار نشود. هم کار و کاسبی ما به مرور احتمالا درست می‌شود، هم مردم کمی زندگی می‌کنند».

بازگشت زندگی در میان «لاله»ها

«پارک لاله» پر است از توپ‌های والیبال، صدای خنده کودکان و مردان و زنانی که در حال قدم‌زدن هستند. در ورودی پارک، گل‌های لاله در رنگ‌های مختلف کاشته شده و در محیط بازی نزدیک به «کانون پرورش فکری کودکان» در خیابان حجاب، کودکان در صف منتظر سوارشدن بر سرسره پیچان پارک هستند، در سکوهای کنار محل بازی، پدران و مادران در کنار یکدیگر در حال گفت‌وگو هستند. در چمن‌های پارک که حالا انبوه و شبیه به فرشی سبزرنگ شده، خانواده‌های زیادی زیرانداز انداخته‌اند: «سیزده‌به‌در را جبران می‌کنیم». این را «وحید» می‌گوید؛ مردی که با همسر، پدر، مادر و دو کودک خردسالش به پارک آمده‌اند. او در همان حال که توپ را به سمت پسر کوچکش می‌اندازد، می‌گوید: «۴۰ روز جنگ تمام تلاش‌مان را کردیم بچه‌ها از اضطراب جنگ دور باشند. همسرم روان‌شناس کودک است و به شکل روزانه به کمک او برای بچه‌ها فعالیت‌ها و شرایطی ایجاد می‌کردیم تا وضعیت برایشان تحمل‌پذیرتر شود». اطراف حوض، افراد زیادی راکت‌های بدمینتون را در دست دارند و مشغول بازی هستند، با اینکه باد می‌وزد، رقابت نفس‌گیری جریان دارد.

بازی بعد از جنگ

«شلوغ نیست، اما همین که دوباره شروع به کار کرده، خوب است». «آرمان» نوجوانی است که پیراهنی با طرح تیم فوتبال «بایرن‌مونیخ» و شلواری جین به تن دارد. چراغ‌های نئونی گیم‌نتی در خیابان شریعتی بر روی صورتش می‌افتد و رنگ و روی او را روشن می‌کند: «منتظر دوستانم هستم. بیشترشان از تهران رفته بودند، امروز که همه خبر دادند برگشته‌اند، به‌سرعت قرار گیم‌نت را گذاشتیم». گیم‌نت در طبقه اول ساختمانی قدیمی قرار دارد، از آن ساختمان‌هایی که در خیابان‌های قدیمی تهران زیاد دیده می‌شوند و نمادی از معماری دهه ۷۰ در ایران هستند. برخلاف خاک‌آلودی راهرو و پله‌ها، شیشه‌های گیم‌نت شفاف است، این شفافیت به دلیل نو بودن آن است. «جواد» مسئول گیم‌نت، با اشاره به ساختمان روبه‌رویی می‌گوید: «پشت این ساختمان، در همان روزهای اول جنگ مورد حمله قرار گرفت و شیشه‌های ما هم شکست. شانس آوردیم چیزی دزدیده نشد، چون تا همین هفته پیش که من از شهرستان برای بازکردن گیم‌نت آمدم، هیچ‌کس به ساختمان سر نزده بود که به ما بگوید شیشه‌ها شکسته است». شیشه‌های تازه هنوز برای تبدیل‌شدن به دکور یک گیم‌نت کار دارند، «جواد» از صبح در حال وصل‌کردن چراغ‌های نئونی و بروشور و پوستر است: «من و شریکم خیلی به دکور اینجا اهمیت می‌دهیم. به دیوارهای داخل نگاه کنید، همه دیوار کاذب هستند که البته شانس آوردیم در جنگ آسیب ندیدند». دوستان «آرمان» می‌آیند، همدیگر را در آغوش گرفته و راهی دستگاه‌های بازی گیم‌نت «آقاجواد» می‌شوند.

غلغله در «اپال»

پارکینگ «پاساژ اپال» پر شده است. مردم با غرولند در حال گشتن دنبال جای پارک در خیابان‌های اطراف‌اند. جلوی تمام آسانسورهای طبقه همکف صفی نسبتا طولانی وجود دارد. مغازه‌های بزرگ نیز میزبان مشتریان زیادی است که در حال گشت و گذار و خرید هستند. طبقه فودکورت غلغله است. کافه‌ها و رستوران‌ها پر است از مشتری و جای نشستن پیدا نمی‌شود. مسئولان تمیزکردن میزها سرشان شلوغ است و یکی از آنها می‌گوید: «از همان صبح پایان آتش‌بس پاساژ دوباره شلوغ شد». این شلوغی کار آنها را زیاد کرده و نمی‌توانند برای گفت‌وگو بایستند. در طبقه مربوط به سرگرمی، با وجود افزایش شدید قیمت‌ها مردم زیادی جمع شده‌اند و در تلاشند تا از دستگاه‌های بازی و سرگرمی استفاده کنند. در بیرون از پاساژ، چراغ‌های رنگی و تبلیغاتی معروف «اپال» شروع به کار کرده‌اند؛ چراغ‌هایی که در دوران جنگ خاموش بودند.

نیاز به بازگشت؛ واکنش دفاعی شهروندان به جنگ

«شیرین احمدنیا»، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران است. او می‌گوید جامعه ایران تجربه‌های تلخ و سختی را پس از جنگ پشت سر گذاشته است: «شهروندان تجربه سنگین انواع تروما، انواع فشارهای روانی و انواع لطمات و خسارات مالی و جانی را از سر گذرانده‌اند و البته تأثیرات منفی و آسیب‌های موجود، همه گروه‌ها را یکسان درگیر نمی‌کند. برخی از نظر فردی یا اجتماعی آسیب‌پذیرترند، برخی شکننده‌ترند و تبعات کوتاه‌مدت و بلندمدت لطمات نیز برای همه افراد یا گروه‌ها یکسان پدیدار نمی‌شود». از نگاه او البته جنگ فقط تبعات منفی نداشته است، بلکه بعضی پدیده‌های مثبت اجتماعی را نیز پدید آورده است: «به‌عنوان مثال، جنگ معمولا باعث تقویت حس همبستگی و انسجام میان افراد جامعه هم می‌شود؛ نوعی «ما»ی اجتماعی تقویت‌شده پیرو جنگ شکل می‌گیرد. مردم نسبت به سرنوشت مشترک خود هوشیارتر و حساس‌تر می‌شوند، نسبت به هم همدل‌تر، صبورتر و مهربان‌تر می‌شوند. تا حدی هم در سبک زندگی و عادات معمول افراد، تغییراتی حاصل می‌شود. به‌عنوان مثال اینکه آگاهی نسبت به محدودیت‌های دسترسی به منابع حیاتی زندگی افزایش می‌یابد. افراد نگاه محافظه‌کارانه‌تری نسبت به دخل و خرج خود پیدا می‌کنند و بیش از پیش قدردان داشته‌های خود می‌شوند». «احمدنیا» با اشاره به پویایی موجود در شهر پس از آتش‌بس دوهفته‌ای، این پویایی را پاسخی به نیازهای عینی مردم درباره ارتباط و معاشرت اجتماعی می‌داند: «افراد نیاز دارند خودشان را دوباره در شرایط زندگی ماقبل جنگ ببینند، از حال یکدیگر جویا و مطلع شوند، حس زندگی را در خود و نزدیکان و دوستان‌شان بازیابی و بازتولید کنند. انسان‌ها که موجوداتی اجتماعی به حساب می‌آیند مسلما غیر از حفظ سلامت جسمانی و روانی‌شان، نیاز به حفظ سلامت اجتماعی‌شان هم دارند و این سلامت اجتماعی اساسا در قالب معاشرت امن، تعامل اجتماعی و تبادل حمایت اجتماعی متقابل تحقق پیدا می‌کند. به همین خاطر مردم تلاش می‌کنند در اسرع وقت زمانی که شرایط مهیا باشد، یعنی مثلا فضای آرامش نسبی تا حدی به وجود آمده باشد، خود را دوباره به آغوش جمع، دوستان و خویشاوندان و فضاهای بزرگ‌تر جمعی بسپارند و فضای خلائی را که در دوران انزوای تحمیلی دوران جنگ به آنها تحمیل شده بود، به نحوی جبران کنند». این نیاز به بازگشت به شرایط عادی یک واکنش دفاعی طبیعی نیز است.

تغییر در جهان‌بینی تحت تأثیر جنگ

احمدنیا معتقد است ابهام موجود درباره وضعیت پایان یا تداوم جنگ، فرصت برنامه‌ریزی بلندمدت برای زندگی را از افراد می‌گیرد: «مثلا اگر زوجی قصد بچه‌دارشدن داشته باشد، بر اثر نگرانی از وضعیت ناروشن یا ناامنی در آینده نزدیک از اقدام برای بچه‌دارشدن اجتناب می‌کند. پیامد دیگر ممکن است این باشد که جهان‌بینی‌شان دچار تغییر شود. تمایل به کسب لذت آنی و بی‌خیالی نسبت به اوضاع و احوال پیرامونی در آنها تقویت شود، زندگی به الان و همین‌جا محدود می‌شود. در جامعه ایرانی که سدها درگیر انواع تروماها، تجاوز و جنگ‌های خانمان‌سوز بوده، تعجب ندارد که «دم را غنیمت دان» پند ملموسی به شمار می‌رود». این جنگ تبعات روانی بسیاری برای شهروندان داشته است و رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران بر نقش دولت و سمن‌ها برای جبران این آسیب‌ها تأکید می‌کند: «برخی نهادهای دولتی تلاش‌هایی صورت داده‌اند که مشخص نیست کافی بوده یا همه از آن مطلع شده باشند تا بهره‌مند شوند. برخی سمن‌ها هم به همین ترتیب اقداماتی را صورت داده و می‌دهند، اما به نظرم نمی‌رسد پوشش وسیعی داشته و به ابعاد وسیع آسیب‌هایی که پدیدار شده پاسخ مقتضی داده شده باشد. در جامعه ما که می‌دانیم الزاما همه ممکن است نگاه و نگرش مناسبی هم به روی آوردن به مراقبت‌های روان‌شناختی برای حفظ یا بهبود شرایط سلامت روان نداشته باشند، حتی اگر حمایت و کمک تخصصی هم فراهم شده باشد بسیاری عملا از آن محروم می‌مانند». در این شرایط لازم است هماهنگی‌ای بین رسانه‌ها، نهادهای دولتی و سمن‌ها ایجاد شود؛ در فقدان چنین هماهنگی‌ای مردم به روش‌هایی روی می‌آورند که لزوما نیز مؤثر واقع نمی‌شود. «احمدنیا» ادامه می‌دهد: «در غیاب چنین هماهنگی‌ها و تدابیری، مردم عملا به حمایت‌های خانوادگی و راه‌حل‌های فردی متوسل می‌شوند که شاید همواره هم پاسخ‌گو نیاز نبوده یا عملا مؤثر واقع نشود. بخش مهمی از مشکلات مردم هم البته از جنس دیگری است. از دست دادن شغل، تعطیلی محل کار، فقدان درآمد، تجربه فشار اقتصادی و همچنین اجتماعی شدیدی را برای افراد به‌ویژه در میان اقشار فرودست به بار می‌آورد که موجب شکل‌گیری حس ناامنی، بی‌پناهی، نگرانی نسبت به آینده و ناکامی و خشم گسترده در بسیاری از افراد است. معمولا خشونت خانگی در دوران جنگ افزایش می‌یابد و دشواری زندگی برای قربانیان خشونت معمولا به صورت آشکار دیده یا رسیدگی نمی‌شود. در هر صورت، واقعیت این است که جنگ نه‌تنها مولد مشکلات عدیده‌ای است، معمولا مشکلات از پیش موجود را هم تشدید می‌کند». در این میان نهادهای اجتماعی و مدنی باید برای بهبود زخم‌های عمیق جنگ خود تلاش‌هایی کنند: «نهادهای اجتماعی و مدنی، مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌های داوطلبانه، انجمن‌های حرفه‌ای، گروه‌های همیاری سنتی مدنی و مذهبی و مدارس می‌توانند نقش حیاتی در این مسیر ایفا کنند. وظایف اصلی آنها در ترمیم زخم‌های روانی و اجتماعی، شامل ارائه حمایت‌های روانی و مشاوره‌ای برای افراد و خانواده‌های دچار تروما، اضطراب و سوگ، بازسازی اعتماد و همبستگی از طریق ایجاد فضاهای گفت‌وگو و درک متقابل و در مواردی، حتی کمک به پردازش خاطرات جنگ از طریق مستندسازی و روایتگری می‌شود تا از انباشت تروما جلوگیری شود». او به «فراخوان اقدام» که از آخرین اقدامات «انجمن جامعه‌شناسی ایران» است، اشاره می‌کند و می‌گوید این فراخوان تلاشی برای ایفای نقشی علمیاتی در میدان اجتماعی زندگی مردم است: «این کمپین، کاملا هم‌راستا با اهداف پیش‌گفته، تلاش نوینی است در این جهت که این انجمن حوزه علوم اجتماعی با سابقه ۳۵ ساله‌اش و اعتماد نسبی مردم به آن، بتواند عرصه فعالیت خود را از ارائه تحلیل‌های نظری صرف یا جمع‌آوری مستندات و روایت‌های جنگ فراتر ببرد».

کارت سواری کوئیک R مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید مشکی
شماره شاسی NAPX212AAN1130266
شماره موتور M159682431
شماره پلاک ایران ۵۰_۱۴۹ ج ۳۱ به نام محمود بلندا
مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

برگ سواری هاچ بک پژو ۲۰۷imc مدل ۱۴۰۱ به رنگ
سفید شماره شاسی NAAR434E9NJ245005
شماره موتور 185B0005698
شماره پلاک ایران ۴۰_۸۲۲ ه ۷۱ به نام سمیه صحت فکرزاد مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

مفقودی سند کمپانی (برگه سفید ماشین) ماشین فیدلیتی سفید
به شماره شاسی: NAGC۵AB۴FS۱۰۱۱۲۰۳
شماره پلاک: ۹۹۲ی۸۳ ایران ۵۰
به نام : شمسی کارخانه ، پدر : حسن مراد کارخانه
صادره از کنگاور ، ازدرجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو
برلیانس H۳۳۰-AT۱،۶۵ پارس خودرو با رنگ سفید روغنی
به نام خانم صفورا فیض ساکی
باشماره موتور BM۱۶LB*H۰۴۳۰۵۳
و شماره شاسی NAPH۳۳۰BBJ۱۰۵۱۰۰۳
با شماره پلاک ۷۷ ایران ۴۴۹ ص ۵۶ مفقود شده
و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

برگ سبز سواری مزدا نیو مدل ۸۹
به شماره پلاک ۹۴۵ ص ۶۴ - ایران ۲۳
و شماره موتور LS۱۰۹۸۵۰۴۹
و شاسی NAGDSX۸CC۲۱A۴۰۳۶۴ مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسنامه مالکیت وانت نیسان مدل ۸۶
به شماره پلاک انتظامی ۳۲۷ ق ۴۳ - ایران ۵۷
و شماره موتور ۳۷۱۵۶۴ و شاسی ۰۰۸۸۱۶ مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز سواری پراید ۱۴۱ مدل ۸۵
به شماره پلاک ۴۵۴ س ۶۹ - ایران ۴۰
و شماره موتور ۱۷۹۷۶۷۵
و شاسی S۱۴۸۲۲۸۵۱۸۹۲۶۴ مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو
دانگ فنگ A-TU۵ H۳۰ با رنگ خاکستری - متالیک
به نام خانم فرشته زمانی
باشماره موتور FA۱۷۳B۰۰۵۸۷۵۰
و شماره شاسی NAAE۴FZ۸JX۱۱۳۳۹۸
با شماره پلاک ۴۰ ایران ۵۹۷ ی ۷۲ مفقود شده
و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

برگ سبز و سندکمپانی موتورسیکلت ایردوکو ۱۰B-XY۱۵۰
مدل ۱۴۰۲بشماره پلاک ۴۸۹۲۸ - ایران ۶۱۶
و شماره موتور ۰۱۴۹NBD۲۰۵۰۰۶
و شاسی NBDJNSJBBPUB۱۵۶۲۷ مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۰۰۱۲۹۴۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد حوزه ثبتی ثبت ملک فردیس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اقای علیرضا ترابی بشماره شناسنامه ۳ صادره از همدان(درجزین) فرزند محمد در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۲۸ مترمربع از پلاک ۱۰۲۲ فرعی از ۱۶۲ اصلی واقع در البرز فردیس رزکان نو خیابان شهید محمد مهدی کریمی خیابان سورنا کوچه اول قطعه ۸ خریداری از مالک رسمی مرتضی فاضلی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.از قطعه ۱۳۷ تفکیکی می باشد و نیز برابر نامه اداره راه وشهرسازی استان البرز نوعیت آن (دایرباغ) می باشد .
تاریخ انتشار نوبت اول : ۲۳ / ۰۱ / ۱۴۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم :۰۷ / ۰۲ / ۱۴۰۵
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فردیس
مهتاب هاشمی ۲۴۱